

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com

درس نظریه های جامعه شناسی (1) گروه علوم اجتماعی

تعداد واحد : 2 واحد درسی

منبع : نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر

نویسنده : جورج ریترز

مترجم : محسن ثلاثی

چاپ دهم : 1384

ناشر : انتشارات علمی

پاییز 1385

شهناز صداقت زادگان گروه علوم اجتماعی



درس نظریه های جامعه شناسی 1

- درس نظریه های جامعه شناسی شامل سه فصل اول کتاب به شرح فصول 1 و 2 و 3 است. این درس از دروس اصلی الزامی رشته علوم اجتماعی است. پیش نیاز آن دروس «مبانی جامعه شناسی» و «مفاهیم اساسی جامعه شناسی 2» است. دانشجویان طی این سه فصل با جریانات و نیروهای اجتماعی و فکری موثر در ایجاد جامعه شناسی و رشد نظریه جامعه شناسی آشنا خواهند شد. منبع مورد تدریس یکی از منابع مهم ترجمه شده در حوزه نظریه های جامعه شناسی در دانشکده های علوم اجتماعی ایران است.

سر فصل کل

➤ فصل 1: زمینه تاریخی نظریه جامعه شناسی؛ نخستین سال ها

➤ فصل 2: زمینه تاریخی نظریه جامعه شناسی در سال های بعد

➤ فصل 3: کارکردگرایی ساختاری، نوکارکردگرایی و نظریه کشمکش

فصل 1

زمینه تاریخی نظریه جامعه شناسی؛
نخستین سالها

اهداف فصل 1

✓ شناخت نیروهای اجتماعی موثر در تحول نظریه جامعه شناسی

✓ شناخت نیروهای فکری و فلسفی در پیدایش نظریه جامعه شناسی

✓ خاستگاه های جامعه شناسی در فرانسه، آلمان، انگلیس و ایتالیا

نظریه

- فهم درست نظریه جامعه شناسی مستلزم آشنایی با تاریخ نظریه ها و جامعه شناسی است.
- تعریف نظریه : یک رشته قضایای مرتبط که زمینه را برای تنظیم دانش و تبیین و پیش بینی زندگی اجتماعی و ایجاد فرضیه های تحقیقی نوین فراهم می کند.

ادامه نظریه

- معمولاً از یک یا چند عنصر برخوردار است.
- نظریه های جامعه شناسی مربوط به میانه و اواخر قرن 19 تاکنون است.
- نظریه برخی از متقدمان جامعه شناسی مانند دورکیم ، زیمل و ماکس وبر هنوز سودمند و مورد استفاده است.

نقش نیروهای اجتماعی در تحول جامعه شناسی



1. انقلاب های سیاسی
2. انقلاب صنعتی و پیدایش سرمایه داری
3. پیدایش سوسیالیسم
4. شهرگرایی:
5. دگرگونی مذهبی
6. رشد علم
7. جنبش های دهه 60 و 70

1- نقش انقلابات سیاسی

- انقلاباتی که در پی انقلاب فرانسه 1789 رخ داد دارای پیامدهای مثبت و منفی بود.
- همه اندیشمندان آرزوی بازگرداندن نظم به جامعه را داشتند.

ادامه نقش انقلابات سیاسی

- این اندیشمندان دو دسته بودند :
- برخی معتقد به بازگشت به قرون وسطی
- برخی در جستجوی یافتن پایه های نظم نوین
- دسته دوم معقول تر بودند زیرا دگرگونی های اجتماعی بازگشت را امکان نا پذیر ساخته بود.

2 - انقلاب صنعتی و پیدایش سرمایه داری

- بر اثر انقلاب صنعتی بسیاری از کشاورزان مزارع را ترک نموده و به کارخانه ها پیوستند.
- نظام اقتصادی تبدیل به بازار آزاد مبتنی بر کالا شده بود.
- نظام سرمایه داری از این طریق سودهای هنگفتی عاید شمار معدودی از افراد می نمود.
- این امر واکنش هایی به صورت جنبش های کارگری و جنبش های گوناگون تند رو با هدف سرنگونی سرمایه داری در پی داشت.

3 - پیدایش سوسیالیسم

- هدف سوسیالیسم تصحیح زیاده روی های نظام صنعتی و سرمایه داری بود.
- کارل مارکس معتقد به براندازی نظام سرمایه داری و جایگزینی یک نظام سوسیالیستی بود.
- امیل دورکیم و ماکس وبر مخالف بودند اما مخالف اصلاح گرا ، زیرا از سوسیالیسم بیش از سرمایه داری می ترسیدند.

4 - شهر گرایی

- انقلاب صنعتی مهاجرت جمعیت انبوه شهری را در پی داشت.
- گسترش شهرها مسائل اجتماعی همچون ازدحام ، آلودگی و غیره را در پی داشت.
- جامعه شناسان اولیه مانند وبر و زیمل به مسائل شهری پرداختند.
- مکتب شیکاگو نخستین مکتب جامعه شناسی آمریکا در شهر شیکاگو بود . شیکاگو آزمایشگاه بررسی مسائل شهری بود.

5 - دگرگونی مذهبی

- انقلاب های سیاسی ، صنعتی و شهرگرایی، اعتقادات مذهبی را تغییر داد.
- اغلب جامعه شناسان در محیط های مذهبی رشد یافته بودند پس به دنبال اهداف مذهبی بودند.
- اندیشه افرادی چون کنت رنک و بوز مذهبی داشت.
- یکی از آثار عمده دورکیم در باره دین است.
- مارکس به مذهب انتقادی نگریست اما به مذهب بی علاقه نبود.

6 - رشد علم

- در دوران رشد نظریه جامعه شناسی افرادی که با علوم سروکار داشتند از مرتبه بالایی برخوردار بودند
- بسیاری جامعه شناسی را با الگوی علوم موفق فیزیکی و زیست شناسی تطبیق می دادند.
- اما افرادی هم چون وبر معتقد به ویژگی های متمایز زندگی اجتماعی از حیات طبیعی بودند.

نقش نیروهای فکری در پیدایش نظریه جامعه‌شناسی

- جنبش روش اندیشی فرانسه در تکامل جامعه‌شناسی نقش اساسی داشته است.
- منظور از روشن اندیشی فلسفه قرن 18 شامل اندیشه شارل منتسکیو و ژان ژاک روسو است. روشن اندیشی اندیشه فلسفی جدیدی بود که جای افکاری اجتماعی قبل را گرفت.

افکار فلسفی بزرگ قرن 17

- قبل از روشن اندیشی قرن 18 افکار بزرگ فلسفی حاکم بود.
- رنه دکارت، جان لاک و توماس هابز افکار بزرگ فلسفی ارائه دادند.

روشن اندیشی قرن 18

- تاثیر روشن اندیشی در نظریه جامعه شناسی بیشتر غیر مستقیم و منفی بود.
- زایتلین می گوید جامعه شناسی واکنشی در برابر روشن اندیشی بود.

ادامه روشن اندیشی قرن 18

- سعی کردند افکارشان را از جهان واقعی استخراج کنند .
- ترکیبی از خرد و تحقیق تجربی را دنبال کردند.
- الگوی آنها علوم به ویژه فیزیک نیوتنی بود.
- در پی تحلیل انتقادی سودمند از جهان اجتماعی بودند.

ادامه روشن اندیشی قرن 18

- هدف آنها ایجاد جهانی بهتر و خردمندانه تر است.
ارزش ها و نهادهای سنتی نابخردانه است . زیرا بر خلاف سرشت بشری و مانع رشد و تحول انسان است.
- رسالت فیلسوف جنبش روش اندیشی غلبه بر این نظام نابخردانه است.

واکنش های محافظه کارانه (فلسفه کاتولیکی قرون وسطی) در برابر روشن اندیشی قرن 18

- جامعه شناسی فرانسوی آمیزه ای از افکار روشن اندیشی و ضد روشن اندیشی است.
- دومیستر و دو بونالد (افراطی ترین مخالفان روشن اندیشی بودند).
- ضد انقلاب بودند و انقلاب فرانسه را حاصل روشن اندیشی می دانستند.

مذهبی اندیشی محافظه کاران در برابر روشن اندیشان قرن 18

- بازگشت به قرون وسطی را در سر می پروراندند.
- خرد فرومایه تر از معتقدات مذهبی است.
- دوبونالد معتقد است جامعه آفریده خداوند است. پس نباید آن را تغییر داد.
- نهادهای سنتی مانند پدرسالاری تک همسری ، سلطنت، کلیسای کاتولیک نباید تضعیف شود.

اندیشه محافظه کارانه در برابر روشن اندیشان قرن 18

- عقل گرایی روشن اندیشی ساده انگارانه است.
- جنبه های نابخردانه زندگی اجتماعی همچون عاطفی اندیشی ، سنت ، مذهب برای زندگی اجتماعی سودمند و ضروری هستند.
- بر انقلاب فرانسه افسوس می خورند . بنابراین ضد انقلاب و ضد تغییر هستند.

شباهت های روش اندیشی و ضد روش اندیشی از نظر زایدمن

- زایدمن بین این دو شباهت هایی تشخیص داد:
 1. واکنش ضد روش اندیشی بر سنت علمی ساخته و پرداخته روش اندیشی سوار شده بود.
 2. پدیده جمعی مغایر با افراد تاکید روش اندیشی بود که ضد روش اندیشی آن را بسط داد.
 3. توجه به مسائل جامعه نوین به ویژه پیامد های منفی آنها برای افراد.

ده قضیه زایتلین حاصل از واکنش محافظه کاران موثر در رشد جامعه شناسی

- محافظه کاران بر خلاف روشن اندیشان تاکید بر جامعه و قوانین آن دارند.
- جامعه مهمترین واحد تحلیل حاصل اجتماعی شدن است. توجه به نقض، رابطه ساختار و نهاد به جای فرد به عنوان عناصر بنیادین سازنده جامعه توجه داشتند.

ادامه ده قضیه زایتلین

- وابستگی متقابل اجزای (محافظة کاری) جامعه بنیاد اصلی جامعه را می سازد. این اندیشه به محافظة کاری می انجامد زیرا دست درازی به یک بخش را تضعیف بخش های دیگر می داند.
- دگرگونی تهدیدی برای فرد و جامعه است. چون نهادها نیازها را تامین می کنند، پس اگر دگرگون شوند نابسامانی ایجاد می شود.

ادامه ده قضیه زایتلین

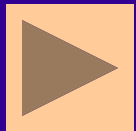
- عناصر بزرگ سازنده جامعه را برای فرد و جامعه مفید می دانستند. بنابراین نسبت به پیامدهای منفی جامعه بی توجه بودند.
- واحدهای کوچک خانواده، محله و گروه ها به عنوان واحدهای تامین کننده محیط صمیمانه و رودر رو مورد توجه قرار گرفت.
- نگران شهرگرایی، بوروکراسی و صنعتی شدن و به دنبال یافتن راه حل پیامدهای این دگرگونی ها بودند.

ادامه ده قضیه زایتلین

- تاکید بر عوامل غیر عقلانی مانند مناسک و تشریفات
- نظام سلسله مراتب از منزلت و پاداشت پشتیبانی می کند.
- ده قضیه زایتلین نخستین بنیاد فکری تحول جامعه شناسی در فرانسه شد.

خلاصه اندیشه محافظه کاران

- ضد انقلاب است.
- ضد تغییر است.
- عاطفی اندیش است.
- سنت را ارج می نهد.
- مذهب را ارج می نهد
- ضد عقلگرایی ساده انگارانه است.

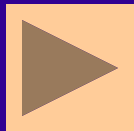


بنیانگذاران جامعه شناسی علمی

- اتفاق نظر عمومی سن سیمون ، اگوست کنت و دورکیم را بنیانگذاران جامعه شناسی می داند.
- کلودهنری سن سیمون(1760-1825)
- اگوست کنت(1799-1857)
- جان اتان ترنر(1985)
- امیل دورکیم (1858-1917)

کلود هنری سن سیمون (1825- (1760

- بنیانگذار اصلی جامعه شناسی اگوست کنت است اما سن سیمون در تحول این اندیشه موثر بود.
- استاد اگوست کنت بود.
- معتقد به حفظ وضع موجود اما مانند محافظه کاران معتقد به بازگشت به قرون وسطی نبود.



ادامه سن سیمون

- اثبات گرا (وحدت روش) بود یعنی برای بررسی پدیده های اجتماعی باید همان فنون علمی طبیعی را به کار برد.
- اصلاحات سوسیالیسم را می پذیرفت که به دنبال برنامه ریزی متمرکز اقتصادی بود.
- اما مانند مارکس به جانشینی پرولتاریا باور نداشت.

اگوست کنت (1799-1857)

- کنت واضع اصطلاح جامعه شناسی است.
- روشن اندیشی را علت اصلی انقلاب فرانسه می داند و مخالف آن است. چون حاصل انقلاب هرج و مرج و نابهنجاری است.



ادامه کنت

- همداستان با محافظه کاران اما از دو جهت با آنها متفاوت بود:
- بازگشت به قرون وسطی امکان ناپذیر است.
- نظام فکری پیچیده تر و کارآمدتری مورد نیاز است. این نظام فکری را خود مطرح کرد.

ادامه کنت

- فیزیک اجتماعی یا جامعه شناسی باید مانند علوم دقیق به مطالعه ایستایی به معنای ساختارهای اجتماعی و پویایی پویایی به معنای دگرگونی اجتماعی پردازد.
- منظور از پویایی سه مرحله تحول است:
- قرن 13 که قدرت های فراطبیعی و صورت های مذهبی بنیاد همه چیز است.

ادامه کنت

- قرون 13-18 به جای خدایان طبیعت تعیین کننده همه چیز است.
- قرن 18 به بعد مرحله اثباتی است که شاخص آن اعتقاد به علم است. در این مرحله به جای علت های مطلق قوانین از طریق مشاهده جهان اجتماعی به دست می آید.

ادامه کنت

- در مرحله اثباتی نابسامانی اجتماعی حاصل نابسامانی فکر است
- جامعه شناسی با روش اثبات گرایی (آزمایش و تحلیل تاریخی تطبیقی) در پی اصلاحات و پایان نابسامانی است.
- جامعه شناسی اثبات گرایی را تسریع می کند و به جهان سامان می بخشد.

ادامه کنت

- به جای فرد خانواده واحد بنیادین تحلیل است.
- وفاق در جامعه اهمیت دارد.
- ماهیت نظام دار جامعه یعنی پیوند بین عناصر جامعه مهم است.
- به جای نظریه پردازی انتزاعی به آزمایش و تحلیل تاریخی تطبیقی جامعه شناختی باید پرداخت.

سه مرحله تحول از نظر اگوست کنت

- قرن 13 غلبه امور مابعد الطبیعه

- قرون 13-18 غلبه طبیعت

- قرن 18-20 اثباتی





جاناتان ترنر (1985)

- به اثبات گرای کنت معتقد است.
- جامعه مستعد قوانین انتزاعی است.
- نظریه پردازی روی صندلی کمک می کند تا اصول انتزاعی و الگوی تحلیلی در باره خواص دگرگونی ناپذیر و همیشه معتبر جهان اجتماعی دست یافت.



نظر شوئدر و فیسک در مورد مابعد اثبات گرایی

- تردید در عینیت اثبات گرایی و منکر یک علم عینی عقلانی جامعه شناختی است.
- در معیارها و قواعد روش علمی برای دست یافتن به عینیت ملازم علم اثباتی تردید داشتند.



امیل دورکیم (1858-1917)

- روشن اندیشی بر کار کنت اثر منفی داشت اما بر دورکیم تاثیر مثبت و منفی داشت.
- منظور از تاثیر مثبت تاکید بر علم و اصلاح اجتماعی در نظر دورکیم است.
- برای جامعه شناسی مشروعیت دانشگاهی کسب کرد.
- نابسامانی همیشگی و همه جا ذاتی جامعه است.



ادامه دورکیم

- دورکیم مانند کنت و وبر نابسامانی را جزء ذاتی جامعه نمی دانست.
- می توان با اصلاحات با نابسامانی های اجتماعی مقابله کرد(از نظر مارکس نابسامانی ذاتی جامعه است)
- موضوع جامعه شناسی واقعیت اجتماعی شامل نیروها و ساختار هایی که بیرون از افراد است و برای آن ها الزام آور است

ادامه دور کیم

- خودکشی حاصل واقعیت های اجتماعی است.
- واقعیت اجتماعی بر دو نوع مادی و غیر مادی است.
- واقعیت اجتماعی مادی مانند بوروکراسی و قوانین است.
- واقعیت اجتماعی غیر مادی مانند فرهنگ و نهادهای اجتماعی است.
- واقعیت اجتماعی غیر مادی مذهب را در کتاب صور بنیادین حیات دینی دنبال کرد.

ادامه دور کیم

- وجدان جمعی قبلا پیوند بخش جامعه بود اما حال پس از تقسیم کار اجتماعی نیازمند اخلاق مشترک هستیم.
- تقسیم کار نوین آسیب های اجتماعی گوناگون به ارمغان آورده است.
- تقسیم کار نمی تواند افراد را کنار هم نگهدارد . نیاز به تقویت یک اخلاق مشترک است.

ادامه دور کیم

- جامعه و دین از نظر او یکی است.
- دین هم بخشی از وجدان جمعی است.
- دین روشی است که از طریق آن جامعه خودش را به صورت یک واقعیت غیر مادی مشخص می سازد.
- از جامعه خدا ساخته که نشانه محافظه کاری او است . کمتر کسی در پی برانداختن خدا است.

ادامه دورکیم

- دورکیم محافظه کار غیر تند رو بود پس توانست مهم ترین شخصیت جامعه شناسی شود.
- بنیانگذار مجله پژوهشی سالنامه جامعه شناسی است.

ریشه های جامعه شناسی آلمانی (ریشه های مارکسیسم)



○ هگل

- ✓ ایدئالیزم دیالکتیک جوهر فلسفه هگل است.
- ✓ از دیالکتیک تفکری پویا است که بر فرایندها، روابط، کشمکش ها و تعارض ها تاکید دارد.
- ✓ هر مسئله ای در آگاهی رخ می دهد. کار، دولت، ثروت.
- ✓ حتی دگرگونی در سطح آگاهی رخ می دهد.

ریشه های جامعه شناسی آلمانی

- ✓ نظریه تکامل دارای دو مرحله است:
- ✓ مرحله احساس : مرحله فهم جهان پیرامون مانند بویایی و بینایی است.
- ✓ خودآگاهی: فهم خویشتنی است که درمی یابد می توانند چیزی فراتر از آنچه که هستند بشوند.

ریشه های جامعه شناسی آلمانی

- میان آن چیزی که هستند و می توانند باشند تعارض پدید آمده است.
- راه حل رشد آگاهی فرد به جایگاهش در روح وسیعتر جامعه است.
- یعنی افراد به این تشخیص برسند که برخوردار از غایی اشان به تحول و گسترش رو کل جامعه بستگی دارد.

ریشه های جامعه شناسی آلمانی

o فوئر باخ هگلی جوان که پل هگل و مارکس را تشخیص داد.



✓ معتقد بود انسان دین را فرافکنی می کند.

✓ در صدد تجدید نظر در افکار هگل بود.

✓ باید از ایدئالیسم ذهنی دست برداشت و به واقعیت مادی انسان ها پرداخت.

✓ انسان ذات انسانی اش را به صورت یک نیروی غیر شخصی فرافکنی می کند و نامش را خدا می گذارد.

ریشه های جامعه شناسی آلمانی

- آن را کامل و خودش را به موجودی ناکامل تقلیل می دهد.
- چون انسان خدا را فراتر از خود می نهد خدا را از خود بیگانه می سازد.
- این دین را باید برانداخت تا بالاترین هدف و موضوع خود انسان باشد.

افکار مارکس (1818-1883)

- مارکس منتقد دیالکتیک هگل است . پس آن را در مورد جنبه های مادی مانند اقتصاد به کار بست.
- هگل به کار انتزاعی ذهن توجه داشت اما مارکس با کار انسان های واقعی و زنده توجه داشت.
- از دید هگل تکامل در فراسوی نظارت انسان ها و فعالیت اشان رخ می هد.

افکار مارکس

- اما مارکس معتقد بود سرمایه داری واقعیت زندگی نوین است که باید با عمل دسته جمعی و گروهی آن را برانداخت.
- ماهیت نوع بشر به طور طبیعی مولد، تولید برای بقا به صورت جمعی
- سراسر تاریخ مانع تولید طبیعی در سرمایه داری به اوج می رسد

افکار مارکس

- سرمایه داری ساختاری مانع فرد و فرایند تولید موجب از خود بیگانگی
- از خود بیگانگی گسیختگی میان مردم و میان مردم و تولید آن ها که حاصل مالکیت است
- کارگر برای صاحب ابزار کار می کند، باید او را آزاد ساخت.

افکار مارکس

- بیشتر به سرنگونی سرمایه داری پرداخت کمتر به سوسیالیسم
- با عمل هماهنگ پرولتاریا می توان بر قدرت سرمایه داری بر منابع غلبه کرد
- جامعه سوسیالیستی با طبیعت انسان همراه تر است

مارکس و اقتصاددانان کلاسیک

- الهام مارکس از اقتصاددانان سیاسی مانند اسمیت و ریکاردو بود.
- اقتصاددانان سیاسی معتقد بودند کار سرچشمه همه ثروت ها است.
- مارکس هم سود سرمایه را حاصل استثمار کارگران به وسیله ارزش کار مطرح کرد.
- اما اقتصاد دانان سیاسی بدی ها و معایب نظام سرمایه داری را گریز ناپذیر می دانستند.

مقایسه فوئرباخ و مارکس

- تاکید فوئرباخ بر جهان مذهبی بود اما مارکس به سراسر جهان و بخصوص اقتصاد توجه داشت.
- فوئرباخ دیالکتیک جهان مادی را نادیده گرفته بود و به کردار نپرداخت.
- فعالیت انقلابی همان کردار یا فعالیت عملی است به جای فیلسوف تفسیری باید جهان را تغییر داد و فیلسوف تغییری بود.

ریشه های جامعه شناسی آلمانی

- وبر در پی تکمیل نظر مارکس بود . بنابراین به مخالفت با نگرش تک علتی جبرگرایان اقتصادی پرداخت
- در کنار بعد اقتصادی طبقه اجتماعی به بعد منزلت و قدرت ، قشر بعدی اجتماعی هم توجه کرد.



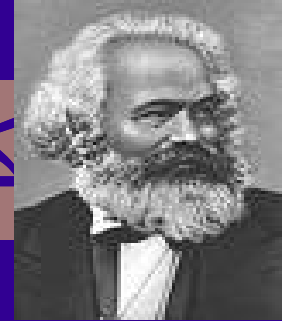
ادامه ریشه های جامعه شناسی آلمانی

- مارکس با بحث از اقتصاد نشان داد روی سر قرار دارد.
- باید نظریه مارکس را روی پا قرار داد . وبر به جای اقتصاد متوجه نقش تعیین کننده افکار و نظام های مذهبی شد.
- مارکس یکی از منابع مورد استفاده وبر است
- وبر علاوه بر مارکس متاثر از کانت و نیچه(قهرمانان) است.

مقایسه کانت و هگل

- فلسفه هگل هدایت به سوی بررسی روابط، کشمکش و تعارض اما چشم انداز کانت ایستا است
- فلسفه کانت هدایت به سوی شناخت صورت ها فارغ از محتوا به وسیله فرایند فکر

کارل مارکس (1818-1883)



- مخالفت با مارکس موجب شکل گیری اکثر نظریه های جامعه شناسی تا دهه 60 و 50 شد

سبب طرد مارکس

- ایدئولوژیست تا دانشمند، جامعه شناسی سرپوش بر محافظه کاری بود

کارل مارکس

- تاکید بسیار بر اقتصاد داشت
- به جای درمان نابسامانی های ناشی روش اندیشی و انقلاب فرانسه و صنعتی به سرکوبگری نظام سرمایه داری پرداخت و در پی انقلاب بود
- به جای کانت متأثر از دیالکتیک هگل معتقد به تاثیر مقابل افکار و سیاست

ماکس وبر (1864-1920)



- مفهوم محوری وبر عقلانیت است پرسید چرا نهادهای اجتماعی فقط در غرب عقلانی شده اند.
- عقلانیت بر دو نوع صوری و ذاتی است.
- عقلانیت صوری : در این نوع عقلانیت کنشگر وسیله را مناسب هدف انتخاب می کند.
- وسایل قوانین و قواعدی هستند که از ساختارهایی چون دیوانسالاری و اقتصاد سرچشمه می گیرند

ادامه ماکس وبر

- در حوزه دیوان سالاری سه نوع نظام اقتدار در نهاد های سیاسی شناسایی می کند:

1. سنتی

2. کاریزماتیک

3. عقلانی و قانونی (رشد کامل دیوان سالاری)

ادامه ماکس وبر

- مهم ترین اثر او روح پروتستان و روح سرمایه داری است.
- در این اثر دین (متغیر مستقل) است و سرمایه داری متغیر وابسته است.
- سرمایه داری موجب ایجاد عقلانیت نهاد اقتصادی است.

ادامه ماکس وبر

- به تحلیل تاریخی و تطبیقی بین ادیان مسیحی ، اسلام ، یهود و ... پرداخت
- وبر از نظر سیاسی گاه لیبرال و گاه محافظه کار است.
- در نقش محافظه کار به دولت اهمیت زیادی می دهد.

مقایسه وبر و مارکس

- وبر منتقد جامعه جدید سرمایه داری و حتی منتقد سوسیالیسم است . اما مانند مارکس راه حل ریشه ای برای رهایی از مشکلات این جوامع ارائه نداد.
- وبر به جای جدلی و تند روی سیاسی مارکس بیشتر علمی و تطبیقی کار کرد.

دلایل پذیرش وبر در امریکا

- مارکس جدلی و تند روی سیاسی اما وبر علمی و تطبیقی
- پیروی وبر از کانت به معنای گرایش به تفکر علت و معلولی است.
- به جای اقتصاد نگر همه جانبه نگر است.



گئورگ زیمل (1858-1918)

- زیمل بر جامعه شناسی امریکار تاثیر عمیقی بر جای گذاشت.
- آثار او به دو دست آثار کلان و خرد تقسیم شده است.
- مقاله های سطح خرد شامل فقیر، خسیس و بیگانه بسیار مورد توجه امریکائیان قرار گرفت.
- بر خلاف مارکس و وبر سطح تحلیل او بیشتر خرد است.

ادامه زیمل

- متاثر از کانت صورت های کنش متقابل و کنشگران توجه نمود.
- در بحث فلسفه پول در سطح کلان توجه به چیرگی فرهنگ بر انسان اشاره می کند.
- گسترش فرهنگ در جامعه جدید به معنای کاهش اهمیت فرد است.

خاستگاه جامعه شناسی بریتانیایی



- اقتصاد سیاسی
- بهبود خواهی
- مخالف تغییر ریشه ای و برپایی سوسیالیسم بودند
- سرزنش قربانی متداول بود.
- تکامل اجتماعی
- دهه 1850 با توسعه آثار کنت به انگلیسی برخی
مجنوب جامعه شناسی تطبیقی و تکاملی شدند.

اقتصاد سیاسی

- کار آدام اسمیت در مورد اقتصاد سیاسی که نظریه جامعه صنعتی و سرمایه داری است
- کار آدام اسمیت موثر بر مارکس اما مارکس معتقد به دست نامرئی (محافظة کاری) نبود
- فردگرا، تجربه گرا، آرمان گرا و بی توجه به نظریه پردازی کلی



هربرت اسپنسر (1820-1903)

- شباهت با کنت:

- ✓ مانند کنت به علم بودن جامعه شناسی پایبند است.
- ✓ مانند کنت یک ارگانیسیسم گرا است و بین موجودات طبیعی و اجتماعی شباهت می بیند.
- ✓ مانند کنت معتقد به تکامل است.



ادامه اسپنسر

• تفاوت با کنت:

✓ اسپنسر یک لیبرال است اما کنت بیشتر محافظه کار است.

✓ اسپنسر یک داروینست اجتماعی است.

✓ کنت به تکامل فکر پرداخت اما برای اسپنسر تکامل مبتنی بر جهان مادی است.

چهار نظریه تکامل اجتماعی اسپنسر که به جامعه شناسی خدمت کرد

- 1 – به سوی جامعه آرمانی ، روابط قراردادی ، اختیاری توام با اخلاق مشترک، نقش دولت تعیین نبایدها، کمتر جنگ طلب
- 2 – تمایز و تنوع ، ساختارها در خدمت کارکردها
- 3 – تقسیم کار فزاینده ، رشد جمعیت ، ناهمگونی
- 4 – الگوگیری از زیست شناسی ، بقای اصلح ، عوامل موفقیت جامعه (حجم، ارتباطات، نظارت اجتماعی بر منابع سازمان)

جامعه شناسی ایتالیایی



- یاره تو
- موسکا
- نقطه مقابل مارکس



پاره تو (1848-1923)

- به طرد مارکس پرداخت و اساساً بر ضد او نظریه پردازی کرد.
- بر عوامل غیر عقلانی همچون غرایز انسانی تأکید کرد.
- اعتقاد به غرایز انسانی به معنای اعتقاد به تغییر ناپذیری است.
- دگرگونی برای مارکس خطی بود اما برای پاره تو دگرگونی دوری و مبتنی بر توده غیر عقلانی و نخبگان است.



ادامه پاره تو

- پاره تو از جامعه برداشتی نظام مند داشت.
- برداشت نظام مند او از جامعه بر افکار پارسنز و ارگانسیست ها موثر واقع شد.

تحول مارکسیسم اروپایی در آغاز قرن 20

- قرن 19 تا سال 1925 دوره نظریه های ضد مارکسیستس است.
- پس از مارکس جبرگرایی اقتصادی و مارکسیسم سنتگرا رواج یافت.
- اما مارکسیست های بعدی به نقد جبرگرایی اقتصادی پرداختند.
- اقتصاد گرایی دیالکتیک فرد و ساختار را نادیده گرفت.

ادامه تحول مارکسیسم اروپایی در آغاز قرن 20

- مارکسیسم هگلی در اصلاح جبرگرایی اقتصادی بر نقش فرد در انقلاب و اهمیت پراکسیس تاکید دارد.
- هواداران لوکاچ بنیانگذار مارکسیسم غربی هستند.
- دو کتاب طبقه و آگاهی طبقاتی از آثار معروف لوکاچ است.

فصل 2

زمینه تاریخی نظریه جامعه شناسی
در سالهای بعد

اهداف فصل

- ✓ تحول نظریه جامعه شناسی در امریکا
- ✓ آشنایی با مکاتب جامعه شناسی و بنیان گذاران آنها
- ✓ مروری بر تحولات مکاتب

نظریه جامعه شناسی اولیه آمریکا



- در سال 1889 در دانشگاه کانزاس پایه گذاری شد
- 1892 بیون اسمال در دانشگاه شیکاگو گروه جامعه شناسی ایجاد کرد.
- تابع لیبرالیسم سیاسی و فرد گرایی متاثر از اسپنسر بود.

ادامه نظریه جامعه شناسی اولیه امریکا

- ویژگی های لیبرالیسم جامعه شناسی امریکا متأثر از اسپنسر :
 - اعتقاد به آزادی و رفاه فرد دارد.
 - دیدگاهی تکاملی در باره جامعه که برخی معتقد به دخالت دولت و برخی معتقد به عدم دخالت دولت هستند.
 - لیبرالیسم امریکا کمتر تردیدی به نظام سرمایه داری روا می دارد پس محافظه کار است.

جریانهای فکری اولیه جامعه شناسی امریکا

- پروتستانتیسم:
- جامعه شناسان همان علاقه پروتستان ها به نجات جهان را حفظ کردند.
- کار جامعه شناسان برای اصلاح اجتماعی مانند کار کشیشان در کلیسا بود.
- جامعه شناسان به دلیل ریشه ها و تقارن های مذهبی خود با مشروعیت بنیادی جامعه مخالفت کردند.

ادامه جریانهای فکری اولیه جامعه شناسی امریکا

- نظام دانشگاهی:
- در اروپا قبل از پیدایش جامعه شناسی نظام دانشگاهی مستقر شده بود پس جامعه شناسی در آن به دشواری پا گرفت.
- جامعه شناسی در محیط انعطاف پذیر نظام دانشگاهی امریکا آسان تر پیش رفت.

ادامه جريانهاي فكري اوليه جامعه شناسي امريكا

- جامعه شناسان جا افتاده ماننده زيمل , كنت , اسپنسر ،
وارد، سامنر بر جامعه شناسی امريكا تاثير گذار بودند.

نفوذ اسپینسر

- زبان انگلیسی داشت ، ساده گفت ، به پیشرفت پرداخت .
- پس بیش از کنت و دورکیم ، مارکس و وبر بر جامعه شناسی اولیه امریکا تاثیر گذاشت.
- نظریه های فراگیر در مورد جامعه تحت فشار صنعتی شدن ارائه داد و اطمینان داد که می توان مشکلات ان را حل کرد.

ادامه نفوذ اسپنسر

- مؤثر بر پارك , كولي , سامنر , راس و وارد بود.
- علل افول اندیشه اسپنسر ، داروینیسیم اجتماعی و افکار مدافع اقتصاد آزاد در دهه 1930 وقوع جنگها و رکورد اقتصادی بود.
- در حال حاضر اهمیت اسپنسر فقط از نظر تاریخی و تاثیر بر رشد جامعه شناسی امریکا مهم است نه بیشتر.



سامنر (1840 - 1910)

نخستین نظریه پرداز امریکایی که در امریکا جا
شناسی درس داد. معتقد به :

- لیبرالیسم
- بقای اصلح
- مشروعیت
- امروز کمتر کسی از او یاد می کند چون داروینیسیم
اجتماعی او به مشروعیت نسنجیده نظام سرمایه داری
منجر شد.

وارد (1841-1913)



• 1906 نخستین رئیس انجمن جامعه شناسی شد.

• جامعه شناسی ناب و کاربردی را تفکیک نمود.

• جامعه شناسی ناب بررسی قوانین بنیادی دگرگونی اجتماعی و ساختار اجتماعی است.

• جامعه شناسی کاربردی ، کاربرد آگاهانه دانش علمی برای دستیابی به جامعه بهتر است.

مکتب شیکاگو

- گروه جامعه شناسی در دانشگاه شیکاگو در سال 1892 به وسیله آلبیون اسمال پایه گذاری شد.
- با مذهب رابطه قوی داشت. زیرا برخی از اعضای این مکتب کشیش یا کشیش زاده بودند.
- کار تامس وفلوریان زانیه کی با نام «دهقان لهستانی در اروپا و امریکا» نقطه عطف این مکتب است.

ادامه مکتب شیکاگو

- در این کتاب از لحاظ روش شناسی مهم است زیرا از انواع منابع اطلاعاتی مانند زندگی نامه ها ، نام های خانوادگی ، اسناد دولتی و مدارک سازمانی استفاده کرده بود.
- تامس به جهت گیری خرد روانشناسی اجتماعی گرایش بیشتری پیدا کرد.

ادامه مکتب شیکاگو

- تامس : اگر انسان ها موقعیت اشان را واقعی تلقی کنند پس پیامدهای این موقعیت ها نیز واقعی اند.
- این نظریه با چشم انداز کلان نگر و ساختاری مارکس و دورکیم در تضاد بود.

ادامه مکتب شیکاگو

- رابرت پارک شاگرد زیمل و خبرنگار بود با برجس نخستین کتاب جامعه شناسی را نوشت.
- پارک تحصیل کرده اروپا بود پس در جلب توجه امریکائیان به جامعه شناسی اروپایی موثر بود.
- به همراه ارنست برجس نخستین کتاب جامعه شناسی با عنوان «درآمدی بر علم جامعه شناسی» را نوشتند.

ادامه مکتب شیکاگو

- پارک خبرنگار که برای درک مسائل شهری در میدان به گردآوری داده و مشاهده پرداخت.
- چارلز هورتون کولی به خود آئینه سان , گروهها پرداخت , منتقد رفتار گرایی و معتقد به درون نگری همدلانه است.
- خود آئینه سان یعنی آگاهی را از زمینه اجتماعی نمی توان جدا کرد .
- اما مید این دور را از هم جدا کرد.

ادامه مکتب شیکاگو

- کولی گروه نخستین را مطرح کرد. گروه نخستین عامل پیوند بین کنشگر و جامعه بزرگتر است.
- در چارچوب گروه نخستین مانند خانواده و همگان است که خود آئینه سان پدیدار می شود
- خود آئین سان یعنی به حساب آوردن اعضای دیگر برای پذیرفته شدن در جامعه

ادامه مکتب شیکاگو

- مید ، فیلسوفی منتقد رفتار گرایی که آگاهی را قابل مطالعه علمی دانست.
- کتاب ذهن ، خود و جامعه شاه ستون فکری نظریه کنش متقابل را ارائه کرد.
- کنش متقابل زیمل + آگاهی مید به ایجاد مکتب شیکاگو منجر شد .

افول شیکاگو

- جامعه شناسی امریکا برای کسب وجهه علمی بیش از اندازه از روش های پیچیده و تحلیل های آماری سود جسته است.
- اما مکتب شیکاگومتکی بر روش کیفی و بی توجه به کار کمی آماری بود.
- بیشتر بر بررسی های توصیفی و مردم نگارانه تاکید می ورزید.

ادامه افول شیکاگو

- پس تبدیل به یک سنت نامعین شفاهی شد که به مکتب هاروارد و آیوا میدان داد.
- با عزیمت پارک و مرگ مید از دهه 30 در سرایشی قرار گرفت و مکتب هاروارد سربرآورد.

مکاتب هاوارد و آیوا

- سوروکین (1899-1968) نخستین گروه جامعه شناسی را در هاوارد ایجاد نمود .
- به تربیت پارسنز (1902-1979) پرداخت .
- پویایی اجتماعی و فرهنگی اثر مهم سوروکین است

ادامه مکاتب آیوا و هاروارد

- پارسنز شاگردان معروفی تربیت کرد و کتاب ساختار کنش اجتماعی را نوشت .
- کتاب نظام اجتماعی پارسنز قدرت نظریه او را برای تحلیل ساختارهای جامعه نشان میدهد.
- نقد بر پارسنز بی توجهی به مارکس و تعبیر نادرست از جامعه اروپایی بود.

جورج هومنز (1960)

- شاگرد هندروسون و به واسطه هندروسون با پارتو آشنا شد
- منتقد نظام فکری پارسنز بود .
- با الهام از اسکینر نظریه مبادله را مطرح کرد.

شیکاگو در سراسیب

- دهه 50 – 30 کار اشتراوس، رز، هیوز (جامعه شناسی کار و شغل) و بلومر رونق گرفت.
- میان بلومر (کنش متقابل نمادین) و کون (ایوا) اختلاف ایجاد شد.

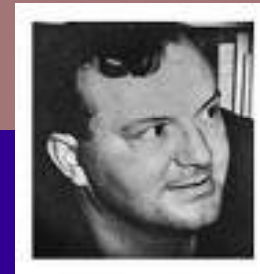
تحول در نظریه مارکسیستی

- در سال 1923 از دل مارکسیسم هگلی مکتب فرانکفورت پدید آمد.
- در سال 1934 به امریکا منتقل شد.
- قصد در آمیختن مارکس (اقتصاد) و وبر (فرهنگ) را داشت.
- بر کاربرد فنون دقیق علمی – اجتماعی تاکید داشت.
- به ترکیب فرد گرایی فروید با مارکس و وبر پرداخت.

تحول در کارکرد گرایبی از دهه 50 تاکنون

- دهه 50 و 40 سالهای اوج و افول این نظریه بود .
- دیویس و مور شاگردان پارسنز قشر بندی را ضروری دانسته و دنبال کردند .
- مرتن به کارکرد، پیامدهای منفی (کژ کارکرد) و تعادل نهایی تاکید داشت .
- دهه 70 اماج انتقاد به کارکرد گرایی ساختاری از سوی میلز , هورو ویتز و هواکو بود .

سی رایت میلز جامعه شناس رادیکال آمریکا



- سنت مارکسیستی را در امریکا زنده نگه داشت اما متاثر از مارکس نبود .
- آثار : یقه سپیدان , نخبگان قدرت , منش و ساختار اجتماعی , تخیل جامعه شناسی

تحول نظریه کشمکش

- با نقد کارکرد گرایی ساختاری همچون محافظه کاری سیاسی، ضعف تبیین دگرگونی اجتماعی و تحلیل کشمکش متولد شد.
- پس برخی در پی درآمیختن کارکرد گرایی ساختاری با نظریه کشمکش برآمدند.
- نمونه آن کار لوئیس کورز، رالف دارند ورف، وکالینز (تقویت بعد ذهنی در نظریه کشمکش) است.

نظریه مبادله

- هومنز در دهه 50 با الهام از رفتارگرایی اسکینر آن را بنیان نهاد .
- در نقد کار قیاسی پارسنز به دنبال استقرار رفت .
- کتاب رفتار اجتماعی و صور اساسی آن و مقاله رفتار اجتماعی به منزله ی تبادل را نوشت .

ادامه نظریه مبادله

- به آگاهی و ساختارها و نهادها بی توجه بود در مقابل به پاداش و تنبیه علاقمند بود.
- سابقه پاداش و خسارت در کشش های متقابل موثر است.
- بلا و این نظریه را به سطح ساختاری برد و امر سون خرد و کلان را در این نظریه ترکیب کرد و اصل نظریه مبادله را با نظریه شبکه پیوند زد.



تحلیل نمایشی گافمن

- دانشجوی بلومر که در برکلی همکار او شد اما از دهه 50 رو به افول بود.
- در کتاب نمود خود در زندگی روزانه نظریه نمایش را مطرح کرد (جلو و عقب صحنه).

ادامه تحلیل نمایشی گافمن

- اجراهای نمایشی کنشهای متقابل شکننده را حفظ می کند.
- به جنبه های اصل زندگی اجتماعی پرداخت .
- در سطح خرد ماند.
- اندیشه هایش دانشجویان را جالب نکرد.

جامعه‌شناسی‌های خلاق

- پدیدارشناسی، روشن‌شناسی مردمی و آگزستانسلیسم در دهه 60 و 70 جامعه‌شناسی‌های خلاق را تشکیل می‌دهند.
- پدیدارشناسی در سال 1939 به وسیله آلفرد شوتر وارد آمریکا شد.

ادامه جامعه‌شناسی‌های خلاق

- پدیدارشناسی نظریه‌ای انتزاعی و ناهمخوان بود که بر آگاهی و کنش و الزام‌های فرهنگی تاکید داشت.
- دهه 60 برگر و لاکمن در کتاب ساخت اجتماعی واقعیت افکار شوتز را ساده بیان کردم و افکار او را با جریان اصلی جامعه‌شناسی پیوند دادند.

روش شناسی مردم نگارانه

- گار فینکل دانشجوی شوتز و پارسنز که آرای این دو را ترکیب کرد.
- به دانش عقل سلیم به معنای رویه هایی پرداخت که افراد عادی با توسل به آنها عقلشان را به کار می اندازند.

ادامه روش شناسی مردم نگارانه

- اما جامعه شناسان خط اصلی به دیوانسالاری ، سرمایه داری ، تقسیم کار و نظام اجتماعی پرداختند.
- نقد کلمن و کوزر نشان می دهد این نظریه موفق بوده است.

جامعه‌شناسی وجودی

- ریشه‌ی آن به ژان پل سارتر باز می‌گردد اما تریاکیان، مانینگ، فونتانا ... دنبال کردند.
- به پیچیدگی‌های زندگی فردی و شیوه‌های برخورد کنشگران با این پیچیدگی تاکید دارد.
- به احساسات و تعلقات انسانها علاقه دارد و خود را درگیر جهان واقعی میدان.

نظریه‌ی نظام‌ها

- در دهه 60 ناگهان وارد صحنه شد با کتاب جامعه‌شناسی و نظریه نوین نظام‌های باکلی اوج گرفت.
- از علوم دقیقه گرفته شده به درون داد و برون داد و فرآوری توجه دارد.

ادامه نظریه نظام ها

- جامعه نظام بزرگی متشکل از اجزای وابسته که وابستگی آن به نظامهای دیگر ضرورت دارد.
- کتاب نظام اجتماعی پارسنز ان را پر رونق تر کرد اما لیلین فیلد ان را ایدئولوژی محافظه کار نامید.

نظریه مارکس از دهه 70

- نقد محافظه کاری کارکرد گرایی ساختاری ، جنبشهای دهه 60 و آثار میلز جامعه شناسان جوان را به رادیکالیسم هدایت کرد .
- کار لوفور در دهه 60 مارکس را جامعه شناس نامید و توجهات را به او جلب نمود .

ادامه نظر مارکس

- در امریکا مجله های نظریه و جامعه ، تلوس و بررسی – های مارکسیستی به نظریه مارکسیستی می پردازد.
- نسل دوم انتقادی ها : هابرماس (فردگرا) ، اسکاکیپول و والراشتاین (تاریخی) ، باران و سویزی و بریورمن (اقتصادی) ، بوراوی و کون (تجربی)

فمی نیسم

- در ادامه اوج مارکسیسم در دهه 80 آخرین شاخه رادیکالیسم اجتماعی است که بین المللی شد.
- سابقه 400 ساله دارد ، اما در دهه 60 به سبب فضای انتقادی حاکم و تجربه تلخ تبعیض در بازار کار رونق گرفت.

ادامه فمینیسم

- هم داخل دانشگاه و هم خارج دانشگاه به تجارب زنان پرداختند که تاکنون پنهان مانده بود.
- نظریه جامعه شناسی را غافل از زنان می دانند.
- پس در مجله های ساینس ، بررسی های فمینیستی ، تحقیق جامعه شناختی ، جنسیت و جامعه و انجمن حرفه ای جامعه شناسان در خدمت زنان جامعه به نشر آرای خود پرداختند.

ادامه فمینیسم

- فمینیسم به سبب آغشتگی به سیاست مورد تردید است .
- زیرا علاوه بر کار علمی به دنبال اصلاح گری است .
- اما از دهه 60 وارد جامعه شناسی شد .

ساختار گرایبی و ما بعد ساختار گرایبی

- از بیرون جامعه شناسی آمد و اکنون شاخه های گوناگون دارد اما در جامعه شناسی زیاد رشد نکرد .
- فروید به ساختارهای ناخود آگاه ژرف ذهن پرداخت ، مارکس به ساختار اقتصادی تاکید دارد .

ادامه ساختار گرایبی و مابعد ساختار گرایبی

- استروس به رابطه دیالکتیکی ساختار جامعه و ساختار ذهن پرداخت.
- نظریه پردازان: سوسور (زبان شناس) استراوس (انسان شناس) فروید و لاکان (روان شناس) آلتوسر (مارکسیسم)

نو کارکرد گرایی

- در دهه 80 از جانب هابرماس توجه به آثار پارسنز افزایش یافت.
- تلاش برای رفع کاستی های پارسنز به وسیله , الگزندر , کولومی وفایا

پیوند خرد و کلان

- کار الگزنندر ، کلمن ، کالینز ، گیدنز و ریتزر در این راستا قرار دارد.
- دهه 80 پیوند پدیدار شناسی ، روش شناس مردمی و نظریه مبادله با واقعیت اجتماعی محقق شد.

فصل 3

کارکردگرایی ساختاری، نوکارکردگرایی و نظریه کشمکش

اهداف فصل

- ✓ آشنایی با مهمترین نظریه جامعه شناسی
- ✓ آشنایی با نظریه پردازان عمده آن
- ✓ تلاش برای تلفیق این نظریه با کشمکش و سطح خرد
- ✓ شناخت برخی از انتقادهای وارد شده بر این مکتب

توافق و کشمکش

- شباهت : هر دو انکار واقعیت اجتماعی است
- تفاوت : دو نظریه از نظر نگرش نسبت به توافق و سلطه متفاوت هستند.
- نظریه کشمکش معتقد به تغییر سریع است و سلطه را محور قرار می دهد. نظریه توافق برعکس تغییر تدریجی و توافق را محور قرار می دهد.

کارکرد گرایی ساختاری

- نیزبت: این نظریه بی گمان مهم ترین نظریه در علوم اجتماعی است.
- آلوین گلدنر و کینگزلی دیویس: این نظریه ادامه جامعه شناسی است.
- ویلبرت مور : این نظریه مایه سردرگمی نظریه جامعه شناسی معاصر است.

ادامه کارکردگرایی ساختاری

- نیکولاس دمرات و ریچارد پترسون (1967) : همان طور که جامعه شناسی از دل ارگانسیم پدید آمد . احتمال دارد این نظریه به صورت نظریه جامعه شناختی دیگر تکامل یابد.
- آبراهامسون : این نظریه ماهیت یک پارچه ای ندارد. فردگرا، فیمابینی، اجتماعی

انواع کارکردگرایی از نظر آبراهامسون

- کارکردگرایی فردگرایانه مانند کار برانیسلاو مالینوفسکی انسان شناسی که به نیاز کنشگران و انواع ساختارهای بزرگ مانند نهادها و ارزشهای اجتماعی پرداخت.
- کارکردگرایی فیمابینی مانند کار انسان شناسی دیگر رادکلیف براون که به روابط اجتماعی به ویژه مکانیسم هایی که برای سازگاری با فشارهای موجود در این روابط به کار برده می شود تاکید می کنند.

ادامه انواع کارکردگرایی از نظر آبراهامسون

- کارکردگرایی اجتماعی که کار اکثر جامعه شناسان کارکردگرایی ساختاری است و تاکید کتاب نیز بر این نوع است.
- این کارکردگرایی بیشتر به ساختارهای اجتماعی و نهادهای پهن دامه جامعه ، روابط داخلی میان آنها و تاثیرهای مقید کننده آنها روی کنشگران می پردازد.

ریشه ها کارکردگرایی ساختاری

- ارگانسیسم اگوست کنت : علاقه مند به نقش عناصر در ایجاد توازن و جامعه هنجارمند بود.
- ارگانسیسم او جامعه را با ارگانسیسم زیست شناختی مقایسه می کرد.

ارگان‌سیسم اگوست کنت

- ارگان‌سیسم زیست‌شناختی
 - سلول
 - بافت‌ها
 - اعضای بدن
- ارگان‌سیسم اجتماعی
 - خانواده
 - طبقه و کاست
 - شهر و اجتماعات

ارگانسیسم اسپنسر

- ارگانسیسم اسپنسر با فلسفه فایده گراییانه همراه بود.
- این امر باعث ایجاد تناقض در نظریه اسپنسر بود.
- ارگانسیسم به کل های اجتماعی توجه می کند و نقش اجزای سازنده آن اما فایده گرایی به کنشگران خود محور تاکید دارد.

شباهت های ارگانیزم اجتماعی و زیستی یا فردی از نظر اسپنسر

- هر دو رشد می کنند.
- افزایش در حجم به افزایش پیچیدگی و تمایز منجر می شود.
- تمایز در ساختارها باعث تمایز در کارکرد است.
- اجزای هر دو ارگانیزم به یکدیگر وابسته است.
- دگرگونی در یک جزء دگرگونی در اجزای دیگر را در پی دارد.

ادامه شباهت های ارگانیزم اجتماعی و زیستی یا فردی از نظر اسپینسر

- هر یک از اجزای پدیده خود یک ارگانیزم در نظر گرفته می شوند.

امیل دورکیم

- متاثر از کنت و اسپنسر است.
- علاقه دورکیم به واقعیت اجتماعی در واقع علاقه به ارگانیسم اجتماعی و روابط میان آنها و تاثیرشان بر کل جامعه است.
- علت اجتماعی را از کارکرد ها جدا کرد.

ادامه امیل دورکیم

- علت به چگونگی پیدایش ساختارها می پردازد و این که چرا چنین صورتی به خود گرفته است.
- کارکرد اجتماعی به نیازی می پردازد که ساختار برآورده می سازد.

قشر بندی کارکردی و انتقادهای

- یک ضرورت است
- ناخودآگاه شکل می گیرد
- ساختاری از سمت ها، انتصاب بر اساس خوشایندی، اهمیت و استعداد
- انتقاد :
 - تحکیم نابرابری است.
 - چرا چون بوده باید بماند.
 - ملاک اهمیت اجتماعی چیست؟

پیش نیازهای کارکردی جامعه

- پارسنز: انطباق ، دستیابی به هدف ، حفظ الگو ، انسجام
- آبرل : جمعیت ، قشربندی ، ملزومات بقا ، تولید مثل ، نقش های تفکیک شده ، نظام فرهنگی ، هدف مشترک ، تنظیم تظاهرات عاطفی
- انتقال همه موارد بالا به وسیله اجتماعی شدن و ملکه ذهن شدن

پیش نیازهای کارکردی جامعه از نظر پارسنز

- تطبیق: سازگاری محیط با نظام و نظام با محیط لازم است.
- دستیابی به هدف: برای یک نظام اهداف و راه دستیابی به آنها لازم است.
- یکپارچگی: برای هر نظامی تنظیم رابطه متقابل اجزا و چهار تکلیف کارکردی لازم است.
- سکون یا نگهداشت الگو: هر نظامی باید الگوهای فرهنگی ایجاد، نگهداری یا تجدیدی کند.



پارسنز

• چهار تکلیف کارکردی به مسئله نظم پاسخ می دهد

• نظام کنش

• نظام فرهنگی

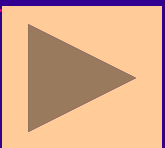
• نظام شخصیتی

• ارگانیزم رفتاری

• تکامل

نظام کنش

- اجتماع
- فرهنگ
- شخصیت
- ارگانیزم رفتاری
- سلسله مراتب آنها



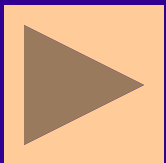
نظام فرهنگی

- تعریف : نظام الگودار و سامان مند از نمادها شامل هدف های جهت گیری کنشگران، ملکه ذهن شده های نظام شخصیت و الگوهای نهادمند نظام اجتماعی
- میانجی و پیوند دهنده ای که می تواند بخشی از نظامها شود
- چون نمادین است از نظامی به نظام دیگر منتقل می شود
- نظارت و یکپارچگی در پی دارد



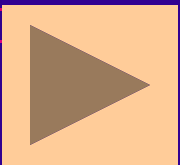
نظام شخصیتی

- تعریف : نظام سازمان یافته ای از جهت گیری و انگیزش کنشگر فردی
 - تمایل نیازی مهم ترین واحد انگیزش کنش که طی فرایند کنش به دست می آید
 - تمایلات نیازی کنش های حاصل از زمینه اند
- انتقاد :
- ترکیبی از فراخویشتن فروید و اجتماعی شدن دورکیم
 - بسیار منفعل است



ارگانیزم رفتاری

- منبع انرژی نظام های دیگر است
- بر ژنتیک و یادگیری استوار است



تکامل

- در دهه 60 مورد انتقاد از بی توجهی نسبت به تکامل و دگرگونی اجتماعی قرار گرفت.
- پس به نظریه تکامل پرداخت. نخستین عنصر تکامل فرایند تمایز است.
- تمایز یعنی تکامل باعث ایجاد خرده نظام های جدید تخصصی تر و تطبیق پذیرتر می گردد.



ادامه تکامل

- با تکثیر خرده نظام ها و تخصصی شدن آنها هماهنگی میان این عناصر برای جامعه مسائل تازه ای ایجاد می کند .
- جامعه ای به سوی تکامل از نظام انتسابی به سوی نظام دستاوری حرکت می کند.
- منظور از نظام دستاوردی رها کردن مردم از قید و بندهای انتسابی و کسب قابلیت و مهارت به وسیله افراد است.

ادامه تکامل

- جامعه تمایز یافته نیازمند نظام ارزشی عام تری است .
به نحوی که برای خرده واحد هایش مشروعیت داشته
باشد.

ادامه تکامل

• سه مرحله تکامل :

• ابتدایی

• میانی

• نوین

• پیدایش زبان و زبان نوشتاری موجب انتقال از مرحله ابتدایی به میانی است و قوانین مرحله نوین را در پی دارد.

انتقاد وارد بر نظریه تکامل پارسنز

- مراحل را به صورت متوالی مطرح کرد .
- از بیان فرایند تحول ناتوان است.
- یعنی در اصل یک تحلیل ساختاری تطبیقی ارائه داده است.

رابرت مرتن

- کسی که تنها بیانیه مهم را در باره قواعد تحلیل کارکردی ساختاری در جامعه شناسی را نوشته است.
- نقد هایی که بر جنبه های افراطی کارکردگرایی ساختاری وارد ساخت باعث شد این نظریه سودمند باقی بماند.
- سه اصل بنیادین برای تحلیل کارکردی برشمرد.
- سپس به نقد این سه اصل پرداخت.

ادامه رابرت مرتن

- سه اصل بنیادی تحلیل کارکرد گرایي:
- اصل وحدت
- اصل عمومیت
- اصل ضرورت
- نقد : وحدت کارکردی می گوید اجزای نظام مانند ارزشها و هنجارها یکپارچه اند . این امر در جوامع کوچک ابتدایی صادق است نه جوامع بزرگ و پیچیده.

ادامه نقد اصول تحلیل کارکردگرایی مرتین

- در عمومیت کارکردی همه اجزای نظام کارکرد مثبت دارند. در صورتی که مثلاً ملیت گرایي افراطی جزئی است که سلاح های اتمی در پی دارد.
- ضرورت کارکردی ارزشها و نهادها ی فعلی را گریز ناپذیر می داند . در صورتی که شقوق کارکردی متفاوتی می تواند جایگزین جزء فعلی شود.

ادامه نقد اصول تحلیل کارکردگرایی مرتین

- در جامعه‌شناسی تلفیق نظریه و تجربه لازم است
- موضوع جامعه‌شناسی فقره‌های معیارین مانند نقش ، نهادها، هنجارها ، ساختارها ، نظارت ، الگوهای فرهنگ ، عواطف حاصل از فرهنگ ، فرایندهای اجتماعی است.

ادامه نقد اصول تحلیل کارکردگرایی مرتن

- تعریف کارکرد: عملکردهایی که تطبیق یا سازگاری یک نظام اجتماعی را امکان پذیر می سازد
- مفاهیم: کژکارکرد، بی کارکرد، تعادل خالص، سطح های تحلیلی کارکردی کارکرد آشکار، کارکرد پنهان و پیامد پیش بینی نشده است.
- ادامه کژکارکرد، ساختارهای دور ریختنی است.

انتقادهای از کارکردگرایی ساختاری

- نظریه کارکردگرایی ساختاری از دهه 30 تا 60 نظریه مسلط جامعه‌شناسی امریکا بوده است.
- در سالهای اخیر انتقاداتی بر آن وارد شده است.
- انتقادهای ذاتی
- به تاریخ نمی‌پردازد زیرا کار خود را با نقد نظریه تکامل آغاز کرد.

انتقادهای از کارکردگرایی ساختاری

- به فرایند دگرگونی نمی پردازد. بیشتر به ساختارهای ایستا توجه دارد. زیرا معتقد است عناصر نظام همدیگر را تقویت می کنند. تکامل و دگرگونی در حال و گذشته و کشمکش
- به کشمکش نمی پردازد زیرا آن را مخرب می داند. کشمکش خارج از چارچوب جامعه قرار دارد.
- تاکید بر فرهنگ، هنجارها و ارزشها کنشگر را در این نظریه منفعل ساخته است.

انتقادهای از کارکردگرایی ساختاری

- مشروعیت‌هایی را که نخبگان جامعه به کار می‌برند با واقعیت اجتماعی اشتباه می‌گیرد.
- انتقادهای روشی و منطقی
- مبهم و ناروشن است زیرا به جای واقعیت اجتماعی از نظام‌های اجتماعی انتزاعی سخن می‌گوید.
- مدعی فراگیری است اما در واقع محدود به یک دوره تاریخی با دامنه متوسط است.

ادامه انتقادهای کارکردگرایی ساختاری

- برای تعیین سهم یک بخش از نظام چه ابزارهایی می توان استفاده کرد.
- در این نظریه کار تطبیقی دشوار است. چون هر جزء تنها در نظام خود قابل فهم است.

ادامه انتقادهای از کارکردگرایی ساختاری

- غایت شناسی و همان گویی
- غایت شناسی ناموجه : جامعه هدف هایی دارد برای رسیدن به هدف ها ساختارهای خاصی ایجاد می کند.
- نمی گوید چرا خرده ساختارهای دیگر نمی توانند کارکرد خرده ساختار اصلی را انجام دهند.

ادامه انتقادهای از کارکردگرایی ساختاری

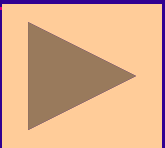
- این همان گویی یعنی نتیجه حاصل از آن همان قضایای صغری و کبری استدلال است.
- می گوید نظام از طریق اجزایش تعیین می شود و اجزا نیز از طریق جایگاه در نظام مشخص می شود.

نوکار کردگرای

- الگزندر
- کولومی

الگزنندر

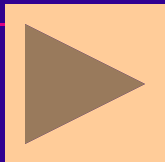
- به جای تک علتی تکثر گرا
- توجه یکسان به نظم و تنش
- یکپارچگی یک امکان و توازن متغیر
- توجه بیشتر به تفسیر نظام
- دگرگونی
- مسائل کارکردگرایی: محافظه کار، ایدئالیسم، ضد تجربی، ضد فردگرا، مخالف دگرگونی





کولومی

- سه ضعف پارسنز: بسیار انتزاعی ، غیر تاریخی و غیر تجربی ، بی توجهی به قدرت و کشمکش
- تاکید زیاد بر یکپارچگی ناشی از دگرگونی
- تمایز ناقص ، تمایز زدایی ، تحول ناهمسان
- حاصل فرایند تمایز کارآیی و یکپارچگی است
- نوکارکردگرایی به قدرت ، کشمکش و عوامل تمایز و موانع تمایز نیز می پردازد



کشمکش

- با الهام از زیمل و مارکس در پی پاسخ به نقد وارد شده
- می خواست جانشین کارکردگرایی ساختاری شود اما تحت الشعاع نظریه های مارکیستی قرار داشت
- نتوانست از ریشه های کارکردگرایی ساختاری فاصله گیرد اما به اندیشه مارکس رونق داد

رالف دارندورف

- به جای توازن به دگرگونی ، به جای سامان مندی به عدم توافق و به جای ارزش های مشترک به اعمال زور پرداخت
- جامعه دارای هر دو جنبه است نظریه نظم به یکپارچگی و نظریه پرداز تضاد و کشمکش را تحلیل کند
- به وسیله سمت ها حق اعمال قدرت و اقتدار به افراد واگذار می شود

اقتدار

- اقتدار در سمت ها نهفته است، سلطه حاصل چشمداشت های نقش آگاهانه یا ناآگاهانه دیگران است
- پدیده اجتماعی تعمیمی یافته نیست نیاز به نظارت و مجازات است
- هم گروهی های آمرانه تنظیم شده واحدهای جامعه اند که تحت نظارت سلسله مراتب اقتدارند

ادامه اقتدار

- شبه گروه ، گروه ذی نفع و نحوه عضو گیری
- لومپن پرولتاریا عضویت تصادفی دارد پس به کشمکش نمی انجامد
- نهایت کشمکش دگرگونی است، شدید باشد ریشه ای، خشونت باشد ناگهانی

نقد بر دارندورف

- نظم و ثبات را در نظر نمی گیرد
- با کارکردگرایی ساختاری اشتراک ریشه ای دارد
- به مشروعیت می پردازد
- کلان است
- نظم و تضاد تناوبی است



جاناتان ترنر

- کشمکش تعریف روشنی ندارد
- سطح تحلیل روشن ندارد و به طور ضمنی کارکردگرایانه است
- فرایند نه مرحله ای کشمکش

نظریه های تلفیقی دیگر



- ون دن برگ: هر دو کل گرا ، تکاملی ، به سوی توازن، تاکید بر متغیرهای خود
- کوزر و هایمز: برخی از انواع نظم یا نظم بیش از حد به عدم توازن منجر می شود

ادامه نظریه های تلفیقی دیگر

- کوزر: از کشمکش زیمل بهره گرفت، کارکردهای کشمکش درمان ضعف ساختاری گروه ، ائتلاف ، فعال شدن عضو منزوی ، آگاهی از موضع مخالف
- نقد : کلان نگری



رندل کالینز

- تلفیق خرد و کلان با توجه به پدیدار شناسی و روش شناسی مردم نگارانه
- ساختارها از کنشگران سازنده آنها جدایی ناپذیرند
- مارکسیسم و کارکردگرایی هر دو ناموفق در نظریه قشر بندی
- از وبر کمک گرفت زیرا او را بسط دهنده نظر مارکس می داند

ادامه رندل کالینز

- بر اساس ابعاد قشر بندی ابعاد کشمکش متفاوت است
- سازمان ها و دین صحنه کشمکش
- دولت ناظر بر ابزار خشونت

ادامه رندل کالینز

- انسان ها ذاتا اجتماعی در پی بیشترین منزلت ذهنی وبری و به دنبال نفع مارکسیستی پس تعارض ایجاد می شود
- انسان ها ذاتا متأثر از جهان ذهنی خود دارای قدرت تاثیر گذاری و نظارت بر تجربه ذهنی دیگران پس کشمکش

نقد فرانک بر ون دن برگ

- ون دن برگ: هر دو کل گرا، نظریه توازن، نادیده گرفتن قضایای دیگری
- نقد فرانک: مارکسیسم کل گرای واقعی، کارکردگرایی کل گرای انتزاعی، به جای تقدیس جامعه به اتوپیا نظر دارد، برخلاف مارکسیست ها به فهم اجزای کل تاکید دارند، مارکسیسم را بهتر می توان با کارکردگرایی ساختاری پیوند داد نه بالعکس

ادامه نقد فرانک بر ون دن برگ

- برای نظریه مارکسیستی دگرگونی سرچشمه ساختار است برای کارکردگرایان ساختار سرچشمه دگرگونی است.
- مارکسیست ها توجه به دگرگونی در سراسر نظام دارند نه دگرگونی در یک نظام.
- نظریه مارکسیستی نظریه توازن نیست.

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com